

مشکلات ارزشیابی حقوق و بیمه‌نامه‌های بیکاری

جان کوست

موسسه تحقیقات اجتماعی ملی دانمارک - کپنهاک

کارکنانی که مشغول کار هستند، قادر نیستند از بیمه بیکاری استفاده کنند. مدت و میزان حقوق در بین این گروه متفاوت است. دریافت کنندگان بیمه بیکاری نه تنها حق دریافت چنین مزایایی را ندارند بلکه باید اسحقاق لازم را نیز داشته باشند. وجود طرح‌های بیمه مشابه مالی (هم ارز مالی) به انتقال و جانشینی کمک می‌کند. تمامی این ابعاد برای خانواده‌های مرفه که دارای اعضای بیکار می‌باشند و نیز برای تعیین خط مشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله، بعضی از ابعاد پیچیده سازمانی را از طریق تجزیه و تحلیل مزایا برای بیکاران در بسیاری از کشورهای اروپای شمالی در سال ۱۹۹۶ و با رجوع به تجربیات اخیر دانمارک بررسی می‌کند.

دو گروه (دو مکتب)

مزایای نقدی که برای تأمین حمایت اقتصادی بیکاران (کارگران بیکار) در نظر گرفته شده است، نمونه بارز و گویایی از برنامه‌های بیمه اجتماعی است که در آن مسائلی درباره مکفی بودن یا برابری این مزایا در مقابل تبلیغ وابستگی و عدم تمایل به کارکردن، مطرح می‌شود. اقتصاد دانان نئوکلاسیک این دو نظریه، اولین طرح‌های تأمین اجتماعی را در نظر

گرفته‌اند. اخیراً، محققان بهزیستی، جنبه‌های حقوق اجتماعی طرح‌های بیمه اجتماعی گوناگونی را بررسی کرده‌اند و به تمایز بین انواع نظام‌های بهزیستی همگانی پرداخته‌اند. (کاری دقیق از اسپینگ اندرسون ۱۹۹۰، پالم ۱۹۹۰ و کانکس ۱۹۹۱) هر دو گروه، گزارشاتی کامل از ضرورت مزایای فراوان بیمه اجتماعی را بدست آورده‌اند، این در حالی است که اقتصاددانان نئوکلاسیک چنین مزایایی را دلیل بیکاری و رکود اجتماعی می‌دانند اما محققان نظام بهزیستی، مزایای فراوان را جزئی از جامعه سالم خوب می‌دانند. در این مقاله، درباره هر دو گروه تحقیق که مکانیزم پیچیده مزایای نقدی واقعی بیکاران را رد می‌کند، بسیار کم بحث شده است و این هم برای تئوری و هم تعیین خط مشی، حائز اهمیت است.

نظام بهزیستی همگانی

محققان نظام بهزیستی همگانی، تفاوت‌های میان انواع مختلف بهزیستی را طبق حدودی که کارگران مجبور به عرضه کالای خود و کار می‌شوند یا تا آن حد که بتوانند به مزایای بیمه اجتماعی امیدوار باشند، مشخص کرده‌اند که مزایای نقدی (decommodification) بالقوه نامید می‌شوند. (اسپینگ اندرسون ۱۹۹۰).

مزایای نقدی که برای تأمین حمایت اقتصادی بیکاران (کارگران بیکار) در نظر گرفته شده است، نمونه بارز و گویایی از برنامه‌های بیمه اجتماعی است که در آن مسائلی درباره مکفی بودن یا برابری این مزایا در مقابل تبلیغ وابستگی و عدم تمایل به کارکردن، مطرح می‌شود. اقتصاد دانان نئوکلاسیک این دو نظریه، اولین طرح‌های تأمین اجتماعی را در نظر گرفته‌اند. اخیراً، محققان بهزیستی، جنبه‌های بیمه اجتماعی طرح‌های بیمه اجتماعی گوناگونی را بررسی کرده‌اند و به تمایز بین انواع نظام‌های بهزیستی همگانی پرداخته‌اند. (کاری دقیق از اسپینگ اندرسون ۱۹۹۰، پالم ۱۹۹۰ و کانکس ۱۹۹۱) هر دو گروه، گزارشاتی کامل از ضرورت مزایای فراوان بیمه اجتماعی را بدست آورده‌اند.



توجه به عوامل کمکی به حمایت حداقل شرایط، متکی باشند.

نظریه اقتصادی نئوکلاسیک

به نظر می‌رسد نظریه اقتصادی نئوکلاسیک دقیقاً راه منطقی عکس محققان نظام بهزیستی همگانی را دنبال کند، در اینجا مزایای پایین قابل پرداخت برای مدتی کوتاه به عنوان بهترین راه برای سر و سامان دادن به بازار کار به نظر می‌رسند، بنابراین بدست آوردن بهترین شرایط اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در این دیدگاه مداخله دولت در شکل مزایا، در انگیزه‌های کار، از طریق فراهم آوردن حق انتخاب همراه با فساد اخلاقی بین مزایا و کار که منجر به نتیجه اقتصادی نامطلوبی می‌شود، اختلال ایجاد می‌کند. (فیریدمن، ۱۹۷۹).

عموماً مفهوم بیکاری غیرارادی (اجباری) با استدلالات نئوکلاسیک مغایرت دارد و بیکاران بیش از حد برای نیروی کار، ارزش قائل می‌شوند. مزایای بیکاری، با ترغیب

مزد بگیر باشند. "هدفداری" یکی از واژه‌های مهم در نظام لیبرال است، در حالی که برای صنف‌گرا، "نگهداری شرایط" حائز اهمیت است. اساس سوم تأمین، تابعیت و تمامی جمعیت را دربر می‌گیرد، بنابراین به عنوان یک عامل جهانی مشخص کننده علائم نظام دموکراتیک اجتماعی مورد توجه است.

براساس تجربه، طبق این روش، سطوح پایین مزایای قابل پرداخت بیکاری برای زمانی محدود کشورها را به عنوان بهزیستی همگانی لیبرال، طبقه‌بندی خواهد کرد، در حالیکه مزایای قابل پرداخت زیاد برای مدت طولانی‌تر به کشورها اجازه می‌دهد تا در بهزیستی همگانی دموکراتیک اجتماعی، طبقه‌بندی شوند. الگوی صنف‌گرایی بوسیله مزایای فراوان برای مدت طولانی در مورد کارگرانی که در بازار کار مشغول کار هستند، مشخص می‌شود، در حالی که کارگرانی که بیرون از این بازار هستند، می‌توانند فقط به عنوان آخرین چاره با

بیکاران تا آنجایی که مزایای مربوط به آسانی بدست آید و بیش از حد، کافی و برای دوره‌های طولانی قابل پرداخت باشد، حق بیکاری دریافت می‌کنند. به این ترتیب، محققان نظام بهزیستی همگانی قصد دارند، دوام، حدود و چگونگی حقوق اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهند. طبق این نظریه، مشخصه‌های سازمانی حقوق اجتماعی می‌تواند به عنوان مقیاسی برای طبقه‌بندی بهزیستی همگانی در سه نظام که "لیبرال، صنف‌گرا و نظام‌های بهزیستی همگانی دموکراتیک اجتماعی" نامیده می‌شوند، مورد استفاده قرار گیرند.

احتیاج اساس تأمین نظام لیبرال و امتیاز در صنف‌گرایی است. نظام‌های لیبرال و صنف‌گرا گرایش خاص را توسط محدود ساختن مزایا برای مردمی که یا از نظر اقتصادی محروم هستند و یا حقوق خود را توسط مزایایی که از طریق تلاش‌های خود بدست می‌آورند، نشان می‌دهند، مخصوصاً توسط کار که البته ممکن است

اقتصاددانان عقیده دارند که مزایای بالا، بهره‌دوری اقتصادی را تقلیل داده و ممکن است بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. در سالهای اخیر، فرضیه‌های شناختی بر مسائل اطلاعاتی و عملی تنظیم شده است و در زمینه تجزیه و تحلیل اقتصادی مزایای بیکاران ثبت شده است

دست از کار کشیدن کارکنان مشغول به کار، از آنانی که در حال حاضر از مزایای بیکاری بهره‌مند هستند، خواسته شود که دوره بیکاری خود را طولانی‌تر کنند، به این مشکل، کمک کرده است. بدین ترتیب، مزایای نقدی، مانع بازار کار از جنبه‌های حرفه‌ای و جغرافیایی می‌شود (برای بررسی مجدد موضوعات و مدارک تجربی مراجعه کنید به اتینسون و موگسون ۱۹۹۳، پدرسون و وستراگر (نئیسون ۱۹۹۳). زمانی که اعضای اتحادیه‌های کارگری از ترس بیکار شدن، هم زمان با افزایش مزایای بالا، برای افزایش حقوق بالاتر پافشاری می‌کنند، در مکانیزم تعیین حقوق آزاد تداخلی بوجود می‌آید. عموماً اقتصاددانان عقیده دارند که مزایای بالا، بهره‌دوری اقتصادی را تقلیل داده و ممکن است بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. در سالهای اخیر، فرضیه‌های شناختی بر مسائل اطلاعاتی و عملی تنظیم شده است و در زمینه تجزیه و تحلیل اقتصادی مزایای

بیکاران ثبت شده است. اطلاعات نامتقارن باعث بوجود آمدن مشکلاتی است که خطرات اخلاقی نامیده می‌شوند. بیمه‌شدگان می‌توانند بر احتمال و بزرگی خطر و انتخاب نادرست تأثیر بگذارند، شرکت‌های بیمه تلاش بر این خواهند داشت که افرادی که آسیب‌پذیر هستند را مشمول این قانون نسازند. به خصوص، خطرات اخلاقی در رابطه با انتخاب ظاهراً آزاد، بین کار و مزایا از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا کارگر بیمه شده می‌تواند بر احتمال بوجود آمدن بیکاری بدون اطلاع بیمه‌گذار، تأثیر بگذارد. شخص می‌تواند داوطلبانه کار خود را ترک کند و با در حین بیکاری، بطور جدید دنبال کار نگردد و پیشنهادات احتمالی برای کار را رد کند. اگرچه، همانطور که در سال ۱۹۹۲ "بار" خاطرنشان کرد، ممکن است وجود طرح‌های جبرانی یا رانه‌ای بیکاری و کنترل شده دولت، بر مبنای مخاطرات اخلاقی انتخاب رقابتی صرف را به نوعی توجیه کرد، که این امر به خودی خود نمی‌تواند انواع مختلف طرح‌یابی را که در کشورهای متفاوت اجرا می‌شود را توضیح دهد. جای تعجب نیست که در زمینه بیمه اجتماعی دو روش متضاد وجود دارد زیرا همانطور که در سال ۱۹۹۴ اسپنگ اندرسون خاطر نشان کرده است، مباحثات تحقیقی نتوانسته‌اند خود را از جدال ایدئولوژیک درباره ارتباط بین بهزیستی همگانی و بازار کار دور نگاه دارند. اقتصاددانان نئوکلاسیک، نمایندگان آزادی‌خواهی هستند که طرفدار بازار کار بوده و به بهزیستی همگانی به عنوان علت وجودی، نه راه حل مشکلات اجتماعی، نگاه می‌کنند. بین تساوی و بازده (کارآرایی) همیشه توازنی

وجود دارد. (اکان ۱۹۷۵). برعکس، گروه اصلی دیگر توسط محققان نظام بهزیستی همگانی و کاتولیک‌ها و محافظه‌کاران، ارائه شده‌اند (ون کرزیگن، ۱۹۹۵). که بهزیستی همگانی را برای کاربرد مناسب بازار، لازم می‌دانند، آنها بازار کار را در صورتی که تحت کنترل نباشد به عنوان بوجود آورنده مشکلات اجتماعی معرفی می‌کنند (گری ۱۹۸۵).

محدودیت‌ها و پیچیدگی

ما بر این عقیده هستیم که اقتصاددانان نئوکلاسیک و نیز روش نظام بهزیستی همگانی توجه کافی به کاربرد واقعی مزایای بیمه اجتماعی ندارند. برای مثال، اشخاص آزاد نیستند که بین کار و یا دریافت مزایای بیکاری یکی را انتخاب کنند. محدودیت‌های مهمی در رفتار و

به نظر می‌رسد نظریه اقتصادی نئوکلاسیک دقیقاً راه منطقی عکس محققان نظام بهزیستی همگانی را دنبال کند، در اینجا مزایای پایین قابل پرداخت برای مدتی کوتاه به عنوان بهترین راه برای سر و سامان دادن به بازار کار به نظر می‌رسند

انتخاب اشخاص در طرح سازمانی بیمه اجتماعی وجود دارد. دسترسی به مزایای بیکاری و حق دریافت آن محدود است و همینطور مقدار قابل پرداختی شامل شرایطی است که نه تنها به بیکاری بطور اعم مربوط می‌شود بلکه شرایط شخصی و اقتصادی فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جنبه‌های سازمانی پیچیده هستند، به این معنی که برنامه‌های بیمه اجماعی یا برنامه‌های بیمه اجتماعی و سیستم مالیاتگیری دیگر در تعامل است. این نتایج باعث بوجود آمدن درآمدهای متفاوت برای گروه‌های جمعیتی مختلف با توجه به عواملی از قبیل سن، شرایط اشتغال، وضع اقتصادی و خانوادگی می‌شود. تنها با توجه دقیق به تمامی مزایای صندوق، ممکن است نتایجی در مورد عدم وجود انگیزه برای کار کردن و عوامل دیگر برای گروهی ویژه بدست آوریم. بعلاوه، معمولاً پیچیدگی‌های برنامه‌های بیمه اجتماعی در سطح کشور متفاوت است. عدم تجانس چه در حال کار و چه در زمان بیکاری از ویژگی‌های جامعه است این عامل نیز نیاز به احتیاط در بیان عقاید کلی در مورد تاثیر سیستم‌هایی که جبران بیکاری را تشدید می‌کند، دارد.

این مقاله قصد دراد این ادعاها را روشن تر کند و نیاز به تحقیق و تعیین خط مشی را جهت بدست آوردن درکی بهتر و عمیقتر از مکانیزمهای مزایای نقدی برای بیکاری را خاطر نشان می‌سازد. در این راستا به مزایای بیکاری در هشت کشور اروپایی در سال ۱۹۹۶ و همینطور تحولات اخیر در سیستم دانمارک نگاهی خواهیم داشت.

مزایای نقدی برای بیکاران

یکی از راه‌حل‌های تاریخی دولتها در برابر

بیکاری، بوجود آوردن برنامه‌های کمک مائی به فقرا و تبدیل آن به چیزی است که امروزه به نام کمک‌های اجتماعی، خوانده می‌شود. راه حل دیگر بوجود آوردن و توسعه طرحهای بیمه بیکاری است.

جالب توجه این است که ریشه اصلی تمامی گوناگونی‌ها از جنبه‌های مهم در طراحی برنامه‌های بیمه بیکاری به حال حاضر برمیگردد. (آبر ۱۹۸۱). با این وجود که مطبوعات در مورد حقوق‌های نقدی نگرانی نشان می‌دهند، مشوقین کار تنها یک نوع حقوق برای بیکاری، متصور بودند، بیمه بیکاری یا کمک اجتماعی و این گوناگونی یا تنوع بنیادی شامل حمایت از بیکاران نمی‌شود.

بیش از این آنچه که حائز اهمیت است این است که مطالعات بیمه اجتماعی بین‌المللی را می‌توان با طرح‌های کشورهای دیگر مقایسه نمود، مثلاً مقایسه بیمه بیکاری با سایر کشورها. یک سری از برنامه‌های معرفی شده و توسعه یافته در عرض ۳۰ سال گذشته که از لحاظ کاربرد اساسی با طرح‌های جبران بیکاری یکسان می‌باشند، معرفی می‌شوند. این در واقع یعنی همان جبران درآمد یا بیمه درآمد برای افرادی است که از لحاظ اقتصادی غیرفعال می‌باشند. چنین طرح‌هایی کاربردی که مزایای نقدی می‌باشند شامل طرح‌های حقوق ایام بیماری و از کارافتادگی و معرفی مزایای زودتر از موعد مقرر و بیمه اجتماعی خصوصی و مزایای مالیاتی برای طبقات کم درآمد می‌باشند. هم چنین پیشرفت‌هایی مثل قانون حمایت از کار، مزایای شغلی مانند مزایای خدمات اجتماعی، برنامه‌های بازار کار فعال، آموزش و چندین برنامه دیگر، در جهت تامین رفاه عمومی در ارتباط با بازار کار

صورت گرفته است. تمامی این برنامه‌ها در یک جنبه مشترک حائز اهمیت هستند و آن اینکه این برنامه‌ها تأثیر بالقوای بر اقتصاد و شرایط اجتماعی دریافت کنندگان و کشورها دارند.

در عمل وجود طرح‌های هم ارز کاربردی نشان دهنده یک دیدگاه کلی در مورد بیمه اجتماعی است که بایستی جایگزین مقایسات این طرح با کل سیستم گردد. تحقیق اخیر مزایا زودتر از موعد مقرر است که براساس بازار کار که در مقایسه با چیزهای دیگر، اختلافات معیار بین‌المللی کمتر آشکار است، می‌باشد و زمانی که طرح‌های خصوصی و عمومی در ارتباط با بازنشستگی زود هنگام، از کارافتادگی و جبران بیکاری است. در بردارنده مقایسات میزان بیکاری یا سهم دریافت کنندگان بیکاری می‌باشد. بطور مشابه در سال ۱۹۹۳ برای هر دریافت‌کننده بیمه بیکاری هندی بین ۲۰ تا ۶۰ سال، به همین نسبت در دانمارک به میزان ۲۰٪ دریافت‌کننده بیمه بیکاری وجود داشته است اما این نسبت تا رقم ۱۰٪ برای افراد ذی‌نفع غیرشاغل تقلیل داشته است. (ارزیابی اجتماعی - مزایای بیکاری - مزایای ایام بیماری و هزینه‌های از کارافتادگی). تحقیق دیگری در مورد مزایای بیکاری (عدم اشتغال) نشان می‌دهد که حدوداً در نیمی از کشورهای OECD بیشتر افراد پیش از آن که به عنوان بیکار ثبت شده باشند مزایای از کارافتادگی را دریافت می‌کنند (بلاتدال و بیرونسون ۱۹۹۵). این نسبت حتی از مزایای قبل از بازنشستگی و ایام بیماری نیز بالاتر می‌رود. بالاخره در سالهای اخیر در انگلستان حق سنوات خدمت از هزینه طرح مزایای بیکاری زودتر از موعد مقرر تجاوز نموده است.

انگستان	فرانسه	هلند	آلمان	فنلاند	نروژ	سوئد	دانمارک	عضویت
اجباری	اجباری	اجباری	اجباری	اجباری و اختیاری	اجباری	اختیاری	اختیاری	بیمه شخصی
مزدبگیران	تقریباً همگی مزدبگیر	مزدبگیران	مزدبگیران	مزدبگیران (وشغل آزاد)	مزدبگیران	مزدبگیران (وشغل آزاد)	مزدبگیران (وشغل آزاد)	
پرداخت حقوق بازنشستگی قطعی در ۲ سال اخیر اختصاص داده شده است	۴ ماه کار با پرداخت های حقوق بازنشستگی در ۸ ماه	۲۶ هفته تمرین از ۳۹ هفته و ۴ سال کار در ۵ سال	حق عضویت برای حداکثر ۱۲ ماه در ۳ سال	۶ ماه عضو و ۲۶ هفته تمرین در ۲ سال گذشته	حداقل درآمد میزان ۱۲۵٪	۱۲ ماه عضو و ۵ ماه کار در یک سال	۱۲ ماه عضو در ۲۶ هفته تمرین در ۳ سال گذشته	بودجه
میان نرخ ثابت (برای جوانان ۱۸ تا ۲۴ کمتر)	۵۷/۴٪ مزد با بالاترین سقف و حداقل time-wise کاهش بستگی به سن و گزارش کار دارد.	۷۰٪ مزد با بالاترین سقف	۶۰٪ مزد با بالاترین سقف	نرخ ثابت (اجباری) امتیاز Step-wise مزد مربوط (اختیاری) بدون سقف	۶۲٪ مزد با سقف بالا	۷۵٪ مزد با سقف بالا	۹۰٪ مزد با سقف پایین	وضعیت سطوح مزایا
۳	۸	۰	۰	۵	۳	۵	۰	روزهای انتظار
۲۶	۱۳-۲۶۰ بستگی به سن و گزارش کار	۱۳-۳۳۴ بستگی به سن و گزارش کار	۲۶-۱۴۳ بستگی کار قبلی و سن	۱۰، بستگی به سن	۱۵۶	۱۶۰	۲۶۰	طول هفته

جدول شماره یک: بیمه بیکاری در ۸ کشور اروپای شمالی، ۱۹۹۶

شایستگی - ارزیابی

برای بکارگیری طرح مزایای بیکاری فقط در مورد افراد بیکار، قوانین محدودده شخصی بیمه و معیارهای توزیع را ذکر کرده اند تا برای مزایای مناسب شناخته شوند. پیچیدگی این مکانیزم جداکننده بندرت، مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، معمولاً محققان نظام بهزیستی همگانی، حقوق اجتماعی را به عنوان یک پارامتر منفرد که بیانگر سهم ذی نفع بیمه بیکاری بیکاران ثبت شده می باشد، در نظر گرفته اند. محققان دیگر بین منافع جهانی و انتخابی تمایز قائل می شوند. طبق این نظریه، منافع جهانی

هند و فرانسه، برنامه های بیکاری ویژه ای برای عده ای از مردم بیکار، در نظر گرفته اند. در این کشورها، بیمه بیکاری، برای بیکاران بیمه نشده در نظر گرفته شده است و حمایت بیکاری یا برای بیکاران است که حق بیمه بیکاری آنها ملغی شده است و یا آنهایی که در مرحله اول مشمول بیمه بیکاری نشده اند. انواع دیگر برنامه حمایت بیکاری، برای گروه های ویژه ای که در بازار کار آسیب پذیر یا نیازمند حمایت هستند، ترتیب داده شده است. این گروه ها بطور مثال در هلند، معمولاً جوانان، کارگران ناتوان و یا کارگران سالم هستند.

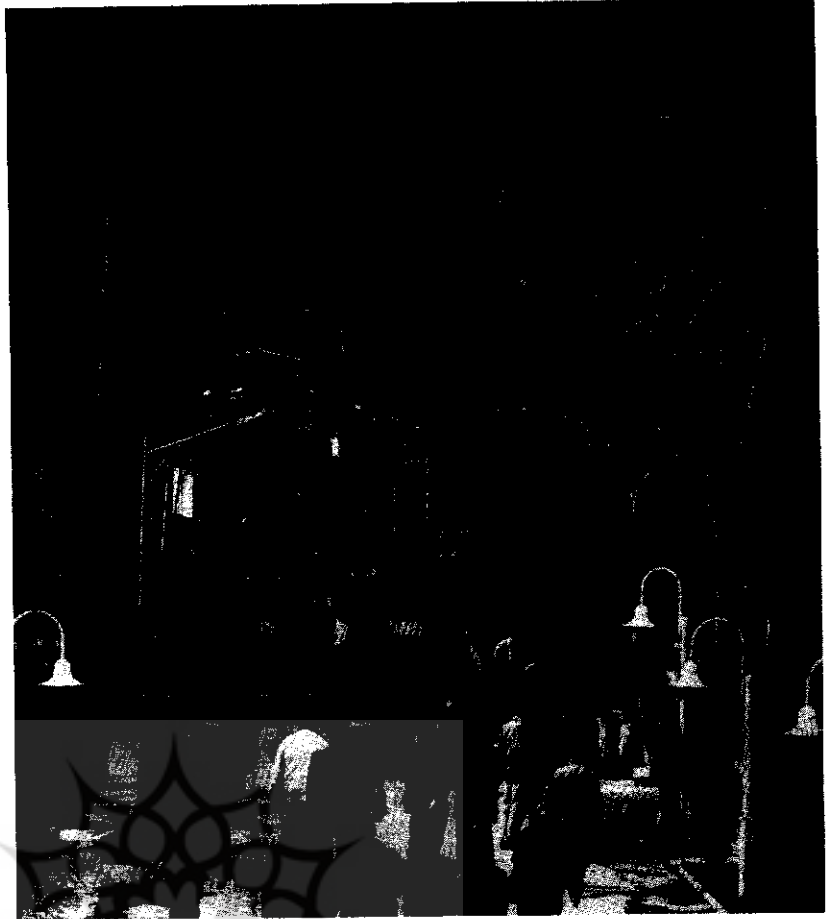
با توجه به بیمه بیکاری و کمک مالی اجتماعی، درمی یابیم که معمولاً بیمه مزایای حاصل از درآمد را به بیکاران بیمه نشده، پرداخت می نمایند، در حالی که کمک مالی اجتماعی براساس بررسی بضاعت مالی در میان دیگران، قابل پرداخت به بیکاران بیمه نشده است. جدول شماره یک، چندین ویژگی کلیدی طرح های بیمه بیکاری ملی را نشان می دهد.

علاوه بر بیمه بیکاری و کمک مالی اجتماعی، همچنین طرح های حمایت از بیکاران نیز وجود دارد. $\frac{5}{8}$ کشورهای این تحقیق، یعنی: سوئد - فنلاند - آلمان -

حال در دانمارک - سوئد و فنلاند عضویت اختیاری است. عضویت اختیاری، طرح‌های کمک مالی اجتماعی و بیمه بیکاری را به اشکال گوناگونی درمی‌آورد، به ویژه برای گروه‌های کم درآمد که ممکن است از لحاظ اقتصادی با تلفیق کمک مالی اجتماعی و صدور مجوز سکونت به وضعیت بهتری برسند تا اینکه از بیمه بیکاری استفاده کنند.

جدل شماره یک، تفاوت‌های بین‌المللی زیادی را که مدعیان قبل از بیکار شدن با بازار کار در ارتباط بوده‌اند، و هم چنین اینکه آیا استخدام قبلی در یک دوره رفاهی ویژه صورت گرفته است یا نه، را نشان می‌دهد. در این خصوص دانمارک منصفانه‌ترین قوانین را در سال ۱۹۹۶ با ۲۶ هفته کار در سه سال در مقایسه با سخت‌گیرین کشور یعنی هلند با ۲۶ هفته کار در طول ۳۹ هفته کار داشت. سیستم

آلمان نیز همانند سیستم دانمارک در صدور مجوز جهت دستیابی به منافع بیمه بیکاری کاملاً آسان‌گیر است، در حالی که سیستم‌های انگلستان و سوئد نسبتاً سخت‌گیر هستند. اگر چه در سال ۱۹۹۶ برای اولین بار در تاریخ بیمه بیکاری دانمارک بین جوانان و دیگر کارگران بیکار بیمه نشده، تمایزی بوجود آمد، اما این بدان معنی است که اکنون تأکید بیشتری بر ارتباط ملی با بازار کار قرار گرفته است و اینکه افراد زیر ۱۸ سال از طرح حذف شده‌اند و این باعث می‌شود حداقل در مورد کارگران جوانتر، سیستم با کشورهای دیگر منطبق شود. این تغییر در قانون، به وسیله اکثریت قاطع جناح‌های سیاسی چپ و راست پشتیبانی شده و همه متقاعد شده‌اند که هدف این است که جوانان را از عادت کردن به زندگی با استفاده از مزایای بیکاری باز دارند و در



- وضعیت بازار کار (تمام وقت - نیمه وقت - بیمه شده - بیمه نشده - سنوات استخدام و غیره).
- وضعیت اجتماعی و تأهل (مجرد - متأهل - زندگی مشترک بدون ازدواج)، وضعیت خانوادگی (نان آور یا خیر)، از میان این تمایزات، ممکن است سوالات مهمی در مورد احراز شایستگی مطرح شود. این موارد در بیمه بیکاری بدین شکل است:

- عضویت اختیاری است یا اجباری؟
- شرایط لازم برای بیمه شدن کدام است؟
- قسبل از ارزیابی (شرایط اعضاء) بیمه‌شدگان چه مدت ملزم به کار بوده‌اند (شرایط کاری)؟
جدول شماره یک بیانگر چند جنبه مهم می‌باشد و مشاهده می‌شود که عضویت در اکثر کشورها اجباری است که یک روش جلوگیری از انتخاب نامطلوب است. با این

آنهایی هستند که کل جمعیت را تحت پوشش قرار می‌دهند در حالی که منافع انتخابی فقط بخشی از جمعیت را تحت پوشش دارند و فقط براساس علاقه یا نیاز قابل پرداخت هستند. در بررسی دقیق‌تر محدوده مشخص بیمه و معیارهای توزیع، تشخیص این تمایز را مشکلتر می‌نماید، درست به همان صورت که پارامتر مربوط به حقوق اجتماعی در مورد مکانیزم در جریان، توضیح کمی می‌دهد.

احراز شایستگی برای منافع جهانی و انتخابی اغلب وابسته به یک یا چندین مورد از ابعاد زیر است:
- تعریف خط و جمعیت گروه تحت پوشش.

- تعریف دریافت‌کننده (شخص - خانواده)
- افراد - بستگان - شخص در معرض خطر - قیم - مادر - پدر - فرزند).
- شرایط شخصی (سن - توانایی کار).

سال ۱۹۹۷، میزان کار لازم از ۲۶ هفته کار در سه سال به ۵۲ هفته تغییر یافت. محدوده شخصی بیمه و نیز معیارهای توزیع کمک می‌کنند به اینکه سود صندوق انتخابی باشد و منافع به یک جمعیت خاصی از گروه مختص شود، در نتیجه استفاده مناسبی از منابع به عمل می‌آورند. اگرچه این مورد هم باعث تمایز بین گروه‌های خاص بیکار می‌شود.

نمونه‌هایی از شرایط دشوارتر کاری وجود دارند که: ارزیابی بیشتر در مورد جوانان با مشکلات ورود به بازار کار - زنان با مسئولیت نگره داری و مراقبت از فرزندان - بعضی اقلیت‌های قومی با شانس ضعیف کار - افراد غیرمختص که بوسيله بیکاری طولانی مدت متاثر شده‌اند و افرادی با شغل‌های موقتی و کاذب، را شامل می‌شود. (به عنوان مثال، گرینتا و رابری، ۱۹۹۷، چسپون و مالدرز ۱۹۹۷، مراجعه نماید). شرایط کار، برای وخیم کردن اختلاف مزایای بین بازار کار داخلی و خارجی (با توسط خانواده و یا نمایندگی‌ها دیگر حمایت می‌شوند) و تقویت نابرابری‌های جنسی بطور عمومی‌تر، مفید است. کشورهای با قوانین بیمه اجتماعی قوی هم چون آلمان، فرانسه و هلند سعی کرده‌اند ساختارهای متغیر استخدام و فشار عمومی را توسط محاسبه دوره‌های مراقبت از اولاد را به عنوان شغل صلاحیت‌دار و واجد شرایط لازم برای دریافت جبران بیکاری، به حساب آورند (کلاس ۱۹۹۷، پالیر ۱۹۹۷).

اختلاف در پشتوانه مزایای گروه‌های متفاوت جمعیت در بررسی قبلی بطور کافی و بسنده مورد ملاحظه قرار نگرفته است.

صلاحیت - عدم صلاحیت
عوامل معینی وجود دارند که ممکن است مدعی را برای دریافت مزایای کمکی اجتماعی یا بیمه بیکاری فاقد صلاحیت نمایند، زیرا این عوامل ممکن است تا حد زیادی توسط مدعی تحت تأثیر قرار

هیچ کشوری حاضر به پرداخت مزایای نقدی به بیکاران که بارها با بی‌میلی حاضر به قبول شغل مناسب پیشنهادی با دلیل منطقی نیستند، نمی‌باشد، تفاوت‌های چشم‌گیری بین نظرات کشورهای مختلف در این سوال وجود دارد که، آیا شغل پیشنهادی همانقدر که باید با زمینه تخصصی کارگر مرتبط باشد باید به محدوده زندگی او هم مرتبط یا نزدیک باشد تا بتوان آن را مناسب در نظر گرفت. در اکثر کشورها بیکاران در هر تخصصی که باشند انتظار نمی‌رود که بلافاصله به قبول شغل در زمینه متفاوت بپردازند. با این وجود بعد از مدتی بعضی از کشورها از بیکاران انتظار دارند که شغل پیشنهادی در خارج از زمینه تخصصی خود را بپذیرند.

بگیرند، آنچه اقتصاددانان به عنوان خطر اخلاقی تلقی می‌کنند. به عنوان مثال،

بعضی دلایل برای بیکاری از عدم پرداخت موقتی یا دائم مزایای نقدی منتج می‌شوند. این در بعضی موارد واقعی و بدیهی است که بیکاری از انفصال کار به خاطر رفتار نامناسب و غیرمتعارف در هنگام کار ناشی می‌شود و جایی که مدعی شغلش را بی‌دلیل ترک کرده است. بنابراین اینها در استخدام به عنوان داشتن آزادی انتخاب بین ادامه کار و یا بیکار شدن بخاطر گذران زندگی توسط مزایای بیمه بیکاری مورد نظر نیستند. برای یک اقتصاددان نئوکلاسیک، سلب صلاحیت از مزایا در این گونه موقعیت‌ها، دلایل مثبتی دارد، چنانکه خطر اخلاقی بایستی پیگرد قانونی شود، برعکس محققان نظام بهزیستی همگانی، عدم صلاحیت برای دریافت مزایا را به عنوان تضعیف حقوق اجتماعی در سطح پایین‌تر و کاهش هزینه‌های بهزیستی همگانی در سطح بالاتر، مورد ملاحظه قرار می‌دهند.

روش دیگر پیگرد قانونی خطر اخلاقی یا پس گرفتن عنوان اجتماعی توسط روزهای انتظار به خدمت معرفی می‌شود که پیشاپیش برای بازداشتن کارگران از فکر کردن در مورد بیکاری عمدی در نظر گرفته می‌شود، در سال ۱۹۹۶ در کشور دانمارک - هلند و آلمان، هیچ روزی به عنوان روز انتظار به خدمت وجود نداشت، اما در نروژ و انگلستان سه روز، در فنلاند و سوئد پنج روز و در فرانسه هشت روز به عنوان روزهای انتظار به خدمت در نظر گرفته شده است. روزهای انتظار به خدمت، احراز شایستگی را برای مزایای نقدی توسط ترک کردن دریافت‌کنندگان بدون پشتوانه، تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز استحقاق احراز این مزایای نقدی به سبب ضرر موقتی مزایا است.

ارتباط مثبت برای درآمد قبلی		
بله	خیر	
درآمدهای مربوطه و درآمدهای آزمایشی	نرخ ثابت و درآمد آزمایشی	ارتباط منفی برای درآمد جاری
حمایت بیکاری در آلمان	کمک مالی اجتماعی در تمام کشورها و حمایت بیکاری در سوئد و فنلاند	
درآمدهای مربوطه، بیمه بیکاری در تمام کشورها	نرخ ثابت، بیمه بیکاری در انگلستان و حمایت بیکاری در هلند و فرانسه	
(بجز انگلستان)		

جدول شماره ۲: ارائه ارتباط درآمد و مزایا و طبقه‌بندی طرح‌های ملی برای بیکاران

هنگامی که بیمه بیکاری مورد مطالبه قرار می‌گیرد، دریافت کنندگان تعهدات خاصی دارند که مزایای بیکاری در اکثر شیوه‌های اقتصادی ثبت نشده است (لادین و ولاس کویز ۱۹۹۴). این تعهدات به ویژه با دستیابی و بوجود آمدن کار، لزوماً مسحدودیت‌های سازمانی را بررسی می‌کند، تا حدی که افرادی که مزایای بیکاری دریافت می‌کنند، در انجام هر کاری که مایلند، آزاد نباشند. در دنیای واقعی طرح‌های بیمه اجتماعی ملی، بیکاران را به حال خود رها نمی‌کنند تا آزادانه به انتخاب بیم کارکردن یا استفاده از مزایای بیمه بیکاری بپردازند. حقوق مزایایی بیکاری جای خود، ولی تعهدات نیز باید رعایت شوند. این اصول متقابل به اولین شرایط بیمه اجتماعی برمی‌گردد و هم چنین نقشی در ترویج بیمه اجتماعی دارد که تاکید بر طرحی بوده است که امکان سوء استفاده را به کسی نمی‌دهد. در هشت کشور روش کلی کارایی و کارجویی شامل ثبت نام و مصاحبه با موسسات کارایی، مدارک مربوط به

ارزیابی، و شرکت در کار و برنامه‌های آموزشی است. علاوه بر این، هیچ کشوری حاضر به پرداخت مزایای نقدی به بیکاران که بارها با بی‌میلی حاضر به قبول شغل مناسب پیشنهادی با دلیل منطقی نیستند، نمی‌باشد، تفاوت‌های چشم‌گیری بین نظرات کشورهای مختلف در این سوال وجود دارد که، آیا شغل پیشنهادی همانقدر که باید با زمینه تخصصی کارگر مرتبط باشد باید به محدوده زندگی او هم مرتبط یا نزدیک باشد تا بتوان آن را مناسب در نظر گرفت. در اکثر کشورها بیکاران در هر تخصصی که باشند انتظار نمی‌رود که بلافاصله به قبول شغل در زمینه متفاوت بپردازند. با این وجود بعد از مدتی بعضی از کشورها از بیکاران انتظار دارند که شغل پیشنهادی در خارج از زمینه تخصصی خود را بپذیرند. این مورد را در کشورهای سوئد، هلند و انگلستان می‌توان مشاهده نمود. انگلستان نمونه بارزی از این نیاز نیروی تخصصی را فراهم نموده است، زیرا هیچ تفاوتی بین مدعیان

در زمینه‌های اختصاصی قائل نیست. از طرف دیگر، بعضی از کشورها، کار زیاد را در تغییرپذیری جغرافیایی به ویژه در سوئد و نروژ تاکید می‌کنند. مشکلات اصلی که در تغییرپذیری جغرافیایی کشور روی می‌دهد، توزیع کمابیش مساوی بیکاری در سطح کشور را بطور کلی وجود دارد. تفاوت‌های جزئی در ساختارهای ناحیه‌ای و درصد‌های بیکاری در چنین کشورهایی به کاهش انگیزه‌ها در بیکاران برای مهاجرت یا کوچ از یک محل به محل دیگر منجر می‌شود و هم چنین به تسامح در تقاضاهای بیمه اجتماعی برای تغییرپذیری جغرافیایی، می‌انجامد. بالاخره بعضی کشورها نظیر سوئد به هر دو معیار تاکید دارند. در دوره‌های معین این بدین معناست که تفاوت‌هایی بین چنین کشورهایی وجود دارد که بیکاران ملزم به قبول کار حتی در محلی دور از خانه خود هستند و یا اینکه آنها باید به قبول کاری که حتی با تخصص و حرفه آنان ارتباطی ندارد، بپردازند. ارزیابی و مقایسه تقاضاهای عمومی از

سوی کارگران برای جستجو و بدست آوردن شغل مشکل می‌باشد، زیرا آنها همراه با جنبه‌های بی‌شماری که توسط تجزیه و تحلیل قوانین اداری قابل درک نیستند، تغییر می‌یابند. چنین حوانی مربوط به اجرای روزانه طرح‌ها می‌شود که در آن معمولاً ماموران صلاحیدهای را نسبت به جریمه کسانی که پیشنهادات شغلی را نمی‌پذیرند، اتخاذ می‌نمایند (برای یک مطالعه بی‌نظیر بین‌المللی در زمینه تحویل مزایایی نقدی به بلدسون و میت ۱۹۹۷ و برای دانمارک میت ۱۹۹۶، مراجعه نمایید). در دانمارک، ادعا شده است که تعدادی از صندوق‌های بیمه بیکاری وابسته به اتحادیه‌های کارگری، دچار یک مشکل متناقض می‌باشند، بدین معنی که آنها هم تعداد زیادی اعضای بیکار و هم تعداد زیادی پست‌های خالی شغلی دارند. از آنجا که هیچ جریمه‌ای برای صندوق‌های بیمه بیکاری که قوانین را بر مبنای قانون نامه اجرا نمی‌کنند وجود ندارد، ممکن است آنها طبق سلیقه و مصالح اعضایی (که هم چنین وابسته اتحادیه کارگری هستند) که مایل به پذیرش پیشنهادهای شغلی نیستند، عمل کنند. بنابراین اتحادیه‌های کارگری با داشتن گروه‌هایی که به فکر منافع و علائق شخصی خود هستند، در اجرای بیمه بیکاری و دیگر طرح‌های بیکاری تنها نیستند. برای مثال، ممکن است بروکرات‌های خیابانی مثل کارکنان اداره کارایی، نظرات خود را نسبت به جایجایی صاحب کارها برای بدست آوردن مواد مناسب یا اختصاص آنها به طرح‌های دیگر به منظور کاهش مقدار و زمان کار اعمال کنند یا از طرق دیگر قوانین را بر طبق قانون نامه اجرا نکنند.



آنجا که بیمه بیکاری به عنوان کانال مهم مشروعیت و استخدام اعضای جدید عمل می‌کند، به نظر می‌رسد که اتحادیه‌های کارگری مربوطه، روش خود را عوض کرده باشند. از آنجا که دولت‌ها سعی بر کاهش تعداد بیکاران دارند که از نظر سیاسی از حساسیت برخوردار است، ممکن است فشار سیاسی برای تعبیر و اجرای دقیق قوانین ضعیف باشد اگرچه در هلند تعداد کارگران ناتوان و ثبت نام شده بیمار از حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشند. اجرا و نظارت سیاسی، آنچه را که در واقع طرح‌های سودآور را رسمی می‌کند، شامل می‌شود، مانند اکثر سازمان‌های دیگر،

جنبه دیگر به فشار سیاسی اعمال شده مربوط می‌باشد اما به اندازه‌ای که تنظیم قوانین نسبت به کنترل تغییر یا اجرای آنها توسط مراجع اجرایی مربوط تغییر یابد. به عنوان مثال، در دانمارک جریان اداره‌های بیمه بیکاری مشروحه بالا، دولت ائتلافی سوسیال دموکرات را وادار به تقاضا در دروه‌های معین نموده که اتحادیه‌های کارگری و صندوق‌های بیمه بیکاری، رویه‌ها و روش‌هایشان را عوض می‌کنند یا اینکه آنها به ناچار با وجود خطر، اقدام به تصمیم‌گیری سیاسی می‌کنند تا ارتباط میان اداره بیمه بیکاری و اتحادیه‌های کارگری را از بین ببرند. از

برقراری رسمی مزایا در نتیجه منافع
متغیر و در حالت کلی تر، زمینه‌های متغیر،
همواره در حال تغییر پی در پی می‌باشد.
آخرین جنبه، سومین جنبه‌ای است که
همراه با آن عملکرد واقعی طرح‌های
مزایای اضافه کاری میان شغل‌ها و مناطق
را که چرخه اقتصادی نامیده می‌شود را
تغییر می‌دهد.

به عنوان مثال، به نظر می‌رسد معیار اداره
کاریابی در مواردی که میزان بیکاری
بسیار بالاست، بیشترین بی‌اعتنایی به
زمان می‌باشد، اما وقتی میزان بیکاری
پایین باشد، آن هم کاهش می‌یابد. از
همین رو به نظر می‌رسد در اقتصاد،
فشارهای سیاسی برای تغییرهای دقیق و
بزرگ‌گیری این نوع از معیارها با افزایش و
کاهش در نوسان است، و عموماً
آزمایش‌های کاری، مشکل‌آفرین هستند.
در کشور دانمارک، هنگامی که کمبود
مشغله کاری وجود دارد، طی یک کاهش
اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه
۱۹۹۰، برای واجد شرایط شدن بیمه
بیکاری نسبتاً ساده می‌باشد و به همین
ترتیب نیز برای از دست دادن مزایا، کار
سختی می‌باشد. این موضوع، ناظران را بر
آن داشت تا اظهار نمایند که بیمه بیکاری
در حقیقت درآمد یک شهروند است
(مثال، گل اندرسون ۱۹۹۶). گرچه طی
شرایط خوب کنونی اقتصادی، تاکید
زیادی بر شغل وجود دارد و آموزش
بیکاران، پیشنهاد می‌شود ولی بیمه‌های
بیکاری دیگر قادر نیستند به راحتی
حقوق پردازند، در حالی که هیچ کاری
انجام نمی‌شود. به علت تغییر بعضی از
قسمتهای قوانین بیکاری، در سال ۱۹۹۶
برای جوانان زیر ۲۵ سال، یک نظریه
علمی برای حداقل ۱۸ ماه بیش از ۶ ماه از
نوبت بیکاری اجباری برای دریافت

کنندگان ارائه شده است، اگر صلاحیت
انتخاب شدن را از دست نداده باشند.
طبق چهارمین بُعد، اجرای دست‌یابی و
انواع کاریابی مختلف، شرح حال دریافت
کنندگان مهم می‌باشد و همه زیر نظر
قانون نیستند. بیکاران بسیار نامتجانس
می‌باشند. برخی گروه‌ها فاقد مهارت
هستند و سرمایه انسانی به برنامه‌های
خاصی نیاز دارند. مثل کمک یارانه‌ای یا
شغل‌های سالمندان، به عنوان توانایی
کاری و تقاضای کاری که ممکن است
کاهش یافته باشد، به آخرین بعد هدایت
می‌شوند که حدود و کیفیت انواع دیگر
برنامه‌های خصوصی و عمومی که به کار
دریافت کنندگان کمک می‌کند، نامیده
می‌شود. برنامه‌های پرستاری کودکان،
تحصیلات و آموزش، وسایلی هستند
برای تسهیل ورود مجدد به بازار کار. اغلب

کشورها، مثل مردم اسکاندیناوی، استفاده
از برنامه‌های بازار کار را برای آزمایش و
افزایش دست‌یابی به کار و ظرفیت کار،
فراهم می‌کنند.

دولتهای اروپایی، سعی بر این دارند که
راه‌های مختلفی برای بیمه اجتماعی
استخدام دوستانه ایجاد کنند (موزکر
۱۹۹۷). راه‌حل‌های اساسی آنها شامل
دشواری ساختن معیار صلاحیت و تولید
روزافزون مزایای مشروط نیازهای رفتاری
است. ممکن است نتایج مهمی برای درک
ما از حمایت اجتماعی بیکاران باشد.
نخست، بیمه اجتماعی بیشتر مشروط
می‌شود و ابهام بیشتر، خط مرز بین بیمه
اجتماعی و کمک مالی اجتماعی است
(کوست ۱۹۹۷). دوماً، نتایج در افراد
کمتر، جبران بیکاری را می‌کند، اگر دشوار
ساختن صلاحیت و عدم صلاحیت به



استخدام افراد بیشتر، منجر شوند. این اتهامات، تمایز بین قسمت غیرفعال اقتصادی جمعیت و آن دسته از بیکارانی که بدون دست‌یابی به مزایای بیکاری است، می‌باشد. (اتکسون، مکمل رأیت، ۱۹۹۱).

سوماً، برای مثال، تاکنون، مشروط بودن مزایا به استخدام منحصر می‌شد، بنابراین بیمه اجتماعی ممکن است برای ممانعت بازار کار، ارائه شود. (برگمن ۱۹۹۷). قوانین واقعی و هم چنین اجرا و تأثیرات اضافه‌کاری که کاری ضروری می‌باشد، قبل از دسترسی داشتن به نتایج زودرس در مرغوبیت یا از سوی دیگر مراقبت‌های پلیسی از خطر اخلاقی یا عقب‌نشینی حقوق اجتماعی بررسی جدی شده است.

استحقاق - میزان مزایا

بعد از داشتن مباحثی درباره اداره استحقاق مزایا در قضیه بیمه بیکاری، اکنون نوبت مبلغ اختصاصی برای مزایای که می‌توانند دریافت کنند، است و در چند کلام برای مدتی، عواملی که مبلغ و مدت مزایا را تعیین می‌کنند، اغلب، مبلغ دریافت شده توسط شرایط شخصی و مقام اجتماعی مدعیان تعیین می‌شود، هم چنین موضوع ملاک دیگری به نام درآمد، در میان است. به خاطر سهولت، ما از موضوع مالی برای تحقیق بعدی صرف نظر می‌کنیم. (اما به اردلی و همکاران ۱۹۹۶، مراجعه نمایید). مبلغ مزایا ممکن است هم به درآمد حاصل از شغل قبلی و به خصوص به مزایای حمایت

بیکاری و کمک مالی اجتماعی، بستگی داشته باشد و ممکن است برای درآمد جاری از منابع متفاوت با استخدام خودشان، شامل درآمدهای همسران (شرکا) شوند.

چهار نوع از مزایای اصلی در جدول شماره دو به ما نشان داده شده است. هم چنین در این تجزیه و تحلیل، طرح‌های موجود اصلی را که مزایایی برای بیکاران در هشت کشور در آن ذکر شده، در جدول شماره دو، طبقه‌بندی شده است.

جدول شماره دو نشان می‌دهد که هیچ کشوری طرح‌های بیمه بیکاری درآمد آزمایشی را ندارند و تمام آن کشورها، طرح‌های کمک مالی اجتماعی درآمد آزمایشی را دارند. شباهت دیگران آن کشورها به جز انگلستان، از جهت طرح‌های بیمه بیکاری درآمدهای مرتبطه است که طرح نرخ ثابت می‌باشد چیزی که برای همد تعجب‌آور است این است که سیستم حمایت از بیکاری آلمان که براساس درآمدهای قبلی است بستگی به درآمد جاری مدعی دارد. به خصوص، این درآمد آزمایشی مزایای معاش بیکاران را نسبت به مزد بیکاران کاهش می‌دهد.

دستور کار مزایا برای بیمه بیکاری در جدول شماره یک در دوره سطوح مزایای دائم‌کار و سوند نشان داده شده است، که بیشترین درصد را نشان می‌دهد، زیرا که مزایا برای مبلغ مناسب ریپادی از درآمدهای قبلی به نظر می‌رسد. اگرچه، بالاترین سقف مزایا، به معنی گروه‌های درآمد بالا و متوسطی که درصد تعویض درآمد بالایی ندارد، ممکن است توسط درصد تعویض درآمدها نشان داده شود (به گروه ۷، سال ۱۹۹۵ مراجعه نمایید). سیستم بیمه اجتماعی انگلستان، بطور



وضوح از کشورهای دیگر متفاوت است زیرا که روش آن مزایای نرخ ثابت است. در نروژ، فنلاند و آلمان، بیکاران وابسته برای نرخ‌های بالاتر مزایا، محق هستند (واجد شرایط هستند). هم چنین در نروژ و فنلاند، مدعیان بیکار با کودکان تحت تکفل، مبالغ نرخ ثابت را دریافت می‌کنند. در آلمان، مزایای نقدی افراد کفیل مبلغ بیشتری راز درآمد‌های قبلی، نسبت به افراد بی‌تکفل، در اختیار دارند. در انگلستان و چند کشور دیگر، مابه‌التفاوت، کمک مالی اجتماعی یا هزینه مسکن، برای ارزیابی چند جانبه، امکان‌پذیر است. بالاخره، ممکن است سیستم مالیاتی، حمایتی اقتصادی، در اختیار بیکاران بگذارد.

در تحقیق قبلی، پیچیدگی مزایای نقدی و ارتباط آن با طرح‌های دیگر، بندرت افزایش پیدا می‌کند. اغلب، کاربرد از درصدهای تعویض، مقیاس غیررسمی مزایای فراوانی که درصد مزایای مزد قبلی را نشان می‌دهد، تشکیل شده است. در عوض، مقیاس اقتصاددان نوکلاسیک، درصدهای تعویض میزان انگیزه‌های کار است. مزایای بالاتر و درصد تعویض، پایین‌ترین انگیزه کاری است.

در عمل، درصد تعویض می‌تواند کم و بیش اصلاح شود. تاکنون به سبب کمبود اطلاعات بین‌المللی در درصد تعویض برای جمعیت واقعی، از وضعیت تصنعی و فرضی استفاده شده است. در مطالعات اولیه، سطوح مزایا به آسانی درصد مزایای مزدهای متوسط سالیانه قبل از مقالات بیمه اجتماعی و مالیات‌ها نشان داده شده است. این یک مقیاس خیلی گمراه کننده‌ای است که به عنوان درصدهای تعویض مزایا برای مزد قبلی، درآمد جاری، مقام اجتماعی، وضعیت خانوادگی،

مدت زمان مزایا، ارتباط با مالیات و سیستم مزایا و غیره، تغییر پیدا می‌کند. (به گروه ۷، ۱۹۹۵، مارتین ۱۹۹۶، مراجعه نمایید). اگرچه، حتی بیشترین درصدهای تعویض حساب شده خالص از مشکل نمونه‌ها، بوجود آید. اما تنها با ترکیب کردن شناخت سازمانی هیئت منصفه یا اطلاعات به ثبت رسیده، ممکن است، نمایندگی مزایای فراوان و تاثیر آن برای جمعیت واقعی، را بدست آورد. اما لازم است، ما این درک را از پیچیدگی سیستم بیمه بیکاری داشته باشیم و هم چنین از ناهمگنی جمعیت، قبل از اینکه بتوانیم براساس اینها (این دو مورد) به نتایجی برسیم یا سیاست‌هایی را تعیین کنیم زیرا گروهی از افراد که از این بیمه استفاده می‌کنند در این کشورها ممکن است دارای وضعیت کاملاً متفاوتی باشند، بنابراین با امکانات و مشکلات غیریکسان و غیرمشابه‌ای مواجه می‌شوند. حتی این نیاز در مقایسات بین‌المللی بسیار بحرانی است. بنابراین بی‌موقع است که سازمان توسعه و مشارکت اقتصادی، یک مقیاس شاخص از درصد تعویض برای گروه‌های مختلف درآمد، وضعیت خانوادگی و دوره‌های مزایا، بدست آورد. مقیاس شاخص برای ادعای فراوانی مزایای افزایش یافته، استفاده می‌شود که در دهه ۱۹۶۰ توانسته است قسمت مهمی از افزایش درصدهای بیکاری را اعلام کند. (برای مثال، به OECD، ۱۹۹۴، اسکارپیتا ۱۹۹۶ مراجعه نمایید). در نتیجه، اگرچه اطلاعات بسیار مهم در متنوع کردن فراوانی مزایا برای گروه‌های متفاوت، از دست رفته است و ارتباط برای علت، اشتباه است. شاید انگیزه دیگر، مقیاس بهتری برای ادامه کار بیکاران، درصد کاهش مزایا باشد، در صدی که

مزایا همانطوری که کار افزایش پیدا می‌کند، کاهش می‌یابد. به خصوص، کاهش چشم‌گیر درصد مزایا، رکودهای کار را برای گروه‌هایی با درآمد پایین، کارگران نیمه وقت، کارگران کنتراتی و کارگران دیگر در کارهای غیرمعمول، فراهم می‌کند (برای مثال به دادینز، ۱۹۹۶ مراجعه نمایید). البته این حقه‌های بیکاری، مغایر تلاش‌های دولت برای کاهش سطح ساختاری بیکاری و ترغیب کارهای غیرمعمول و متغیر عمل می‌کند. (برای مثال به، اسپنگ اندرسون ۱۹۹۴، گرمیتاو و رابری ۱۹۹۷ مراجعه نمایید). همانطوری که زنان در بیشتر کشورها در کارهای نیمه وقت و غیر معمول، بیش از اندازه فعالیت دارند، کاهش چشم‌گیر درصد مزایا نیز ممکن است باعث افزایش مالی مزدبگیران مرد تحت‌الحمایه شود که دوباره مغایر گرایش به زوج‌های دوزمندی است.

استحقاق - زمان مزایا

تفاوت بسیاری در میان کشورها برای مدت زمان بیکاران وجود دارد که تحت عنوان دریافت بیمه اجتماعی، باقی مانده است (به جدول شماره یک مراجعه نمایید). بطور خلاصه، هر کشوری، یک یاد و اصول ممکن را استفاده می‌کند:

- حداکثر مدت ثابت، یا
- حداکثر مدت تغییرات

دوره‌های قابل تغییر ممکن است بستگی به انجام شغل قبلی (وضعیت بازار کار)، سن مدعايت (وضعیت شخصی)، داشته باشد، اگرچه، آنها کودکان یا همسر تحت تکلف دارند (مقام اجتماعی). روش مزایا بستگی به عوامل دیگری مانند درآمد‌های قبلی یا درآمد جاری که موجب خطر می‌شود، دارد. این حالت‌ها مدت و

مغداری را که شخص دریافت می‌کند، تعیین می‌نماید

سیستم بیمه بیکاری آلمان بر آن درآمدهای قبلی و بیکاری که اصول راهنما است، تاکید می‌کند، و حداکثر مدت مرایای بیمه بیکاری و زمان قبلی تمس را با بازار کار، افزایش می‌دهد. این مورد در طرح‌های بیمه بیکاری فرانسه و هلند نیز می‌باشد. سیستم هلند نیز برای مدعیان بیکار کفیل جهت دریافت مزایای نقدی، مدت طولانی‌تری را در نظر گرفته‌است. در فرانسه و آلمان نیز زمان مزایا برای سن مدعیان، یکی شده است و برای بیکاران مسن‌تر، مدت طولانی‌تری را نسبت به مدعیان جوانتر برای دریافت مزایا، اجازت داده می‌شود. بنابراین، اغلب بیکاران مسن در آلمان می‌توانند مزایای بیکاری را تا سن بازنشستگی دریافت کنند.

این موضوع در چندین کشور دیگر نیز واضح است، اگر چه آنها برنامه‌های دیگری برای بیکاران مسن‌تر تا طرح‌های خاص ایجاد می‌کنند، مثلاً در دانمارک و هلند. در این مورد، سیستم بیمه بیکاری در انگلستان، مجدداً بی‌نظیر است، زیرا که با زمان ثابت ۶ ماهه عمل می‌شود. در عوض در بعضی از کشورهای اسکاندیناوی، برای دریافت بیمه بیکاری برای مدت‌های طولانی‌تر به بیکاران اجازه می‌دهند و معمولاً بعد از آن مدت یا در طی همان مدت، برای دریافت یا ملزم کردن یا پذیرفتن شغل یا پیشنهاد آموزش، اجازه می‌دهند که به نوبت، استحقاق بعدی برای مزایای بیمه بیکاری فراهم شود. شاید، این بازبایی مزایا برای اکثر افراد بیکار آسیب‌پذیر به گفتگوی درباره واقعیت حداکثر مدت مزایای منجر شود، چون که تمديد نتیجه مزایا در مدت

ساحدود تکرار می‌شود. هم چنین گفتگوی فرآیند انتقال رفت و آمد بین برنامه‌های مختلف مزایا، مضرتر از دریافت کنندگان ذی‌نفع و اقتصاد است. در نتیجه، در سال ۱۹۹۴ در دانمارک، پذیرش شغل یا پیشنهادات آموزش استحقاق بعدی برای بیمه بیکاری فراهم شد. قوانین مشابه بحث شده و تقریباً در سوئد انجام شده است (اکام اگل و همکاران ۱۹۹۵، پالم وون نمو ۱۹۹۷).

تنوع کمی در دوران مزایا برای گروه‌های مختلف جمعیت، اعتبار دوره‌های مزایای بیکاری استاندارد در توصیف طرح‌های بیکاری ملی را تضعیف می‌نماید. دوره‌های استاندارد، اعتبار خود را توسط شرایط مزایا که بالقوه این مدت را طولانی‌تر می‌کند، از دست می‌دهند. برعکس، انتقال بین طرح‌های مزایا ممکن است مدت مزایای بیکاری، بالفعل، که بعد از این حداکثر مدت نامیده می‌شود، را طولانی‌تر کند. بالاخره، بعد از داشتن دوره‌های مزایای مصرف شده، ذی‌نفعان در اکثر کشورها برای طرح‌های مزایای دیگر رجوع می‌کنند. اگرچه بعضی اوقات، ممکن است درآمد و ثروت آنان یا شریک‌شان، آنان را فاقد صلاحیت کند. مرحله تغییر مزایا در هر مقیاس دوره طرح مزایا، بحث انگیز است و ما را به جنب و جوش دریافت مزایا، جلب می‌کند. هر دو جنبه در قسمتهای بعدی آمده است.

مرحله تغییر مزایا

بیکارانی که مهلت استحقاق بیمه اجتماعی‌شان منقضی شده است، برای اشکال دیگر حمایت بیکاری یا کمک مالی اجتماعی، مراجعه می‌کنند، بندرت در تحقیق قبلی این جنبه نشان داده شده

است (اما به همسین، زیر چاپ مراجعه نمایید). در آلمان بیکاران برای حمایت از بیکاری بعد از دوره مزایای نقدیشان، منتقل می‌شوند زیرا مهلت مزایای بیمه‌شان منقضی شده است. در دانمارک، نروژ و انگلستان، مدعیان برای کمک مالی اجتماعی بعد از دوره مزایای بیمه بیکاری‌شان که مهلت آن منقضی شده است، منتقل می‌شوند. در فرانسه، بیکارانی که برای مزایای بیمه به آنان اجازه داده نشده است، برای دریافت یک ساله حمایت از بیکاری در مدتی که زمان مقرر، مبلغ ثابت و بعد از اینکه مدعی برای کمک مالی اجتماعی رجوع می‌کند، اجازه داده می‌شود. (برای افرادی که بالاتر از ۵۵ سال دارند)، مرحله تغییر از بیمه بیکاری به کمک مالی اجتماعی یا حمایت از بیکاری در موقعیت سطوح مزایا، برای بیکاران حائز اهمیت است. در حالی که، هیچ کدام از کشورها، از درآمد پیچیده در موقعیت سطوح مزایا در بیمه بیکاری استفاده نمی‌کنند و این موضوع در حمایت از بیکاری و کمک مالی اجتماعی معمول است (به جدول شماره دو مراجعه نمایید). بررسی شرایط شخصی مانند ثروت و درآمد ممکن است با بدنام کردن قطعی متقاضی، ارتباط داده شود. درآمد مشکل در سیستم حمایت بیکاری آلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و مشابه فنلاندی است. از طرف دیگر در فرانسه، هیچ درآمد آزمایشی مبالغ نرخ ثابت، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. زمانی که درآمد شریک مورد رسیدگی قرار گیرد، دریافت کننده وابستگی مالی بیشتری به شریک پیدا می‌کند.

در تمام کشورها، طرح‌های کمک مالی اجتماعی به عنوان یک شبکه امنیت اجتماعی برای تمام جمعیت اجرا می‌شود

و این شامل آن بیکارانی می‌باشد که دارای حقوق کم و یا هیچ حقوقی برای بیمه بیکاری و حمایت بیکاری نمی‌باشند. طرح‌های کمک اجتماعی در طرح سازمانی آنها در کشورهای همگانی کمتر تغییر می‌کنند. آنها توسط مالیاتها و سرمایه‌گذاری مورد آزمایش قرار می‌گیرند. بنابراین کشورها ممکن است در طرح‌های بیمه بیکاری اجتماعی خودشان متفاوت باشند. این دلیل کمتری برای طرح‌های کمک مالی اجتماعی است (اما به ارونی و همکاران. ۱۹۹۱ مراجعه نمایید). در تمام ۸ کشور، ایالت مسئولیت‌های مالی بعد از یک دوره ویژه را تحویل می‌گیرند و سرانجام باعث تولید هزینه حاشیه‌ای و افزایش بیکاری می‌شوند. بطور کلی، سطح کمک مالی اجتماعی از بیمه بیکاری پایین‌تر می‌باشد، گرچه این براساس درآمد گروه و وضعیت اجتماعی تغییر می‌کند. بطور نمونه و نه همیشه، گروه‌هایی با درآمد بالا و دریافت دوره‌های کوتاه مدت از نظر اقتصادی در بیمه بیکاری نسبت به کمک مالی اجتماعی، به صرفه‌تر می‌باشند.

جایگزینی مزایا

بهرحال، مرحله تغییر از بیمه بیکاری برای حمایت از بیکاری و کمک مالی اجتماعی فقط یکی از چند موارد حاصل بین طرح‌های بیمه اجتماعی می‌باشد. گرچه طرح‌های مختلف در اصول دارای اهداف مختلف می‌باشند و توسط صلاحیت، استحقاق متفاوت، و معیارهای نیازمندی و نیکوکاری تحمیل شده به دریافت کنندگان تهیه شده است که در اصل (عمل) همیشه این وضعیت وجود ندارد. بعضی از طرح‌ها معادل‌های عملکردی بالفعل هستند که با توجه به

فراهم آوردن حمایت درآمد برای افراد بیکار می‌باشند. زیرا نه تنها همه بیکاران از جبران بیکاری در کار، موجب تغییر می‌شوند. بلکه تعداد زیادی از مردم از یک شعبه بیمه اجتماعی به دیگری حرکت می‌کنند. به عنوان مثال، از بیکاری به بیماری و شاید به از کارافتادگی. گردش دریافت کنندگان مزایا بین شاخه‌های تامین اجتماعی در مطالعات تطبیقی به میزان زیادی تحت تحقیق قرار نمی‌گیرند ولی به نظر می‌رسد که احتمالاً نحوه طراحی سیستم‌های مزایای ملی بر روی تصفیه‌سازی و گردش افرادی که مزایا را دریافت می‌کنند، تاثیر می‌گذارند. این گردش، به احتمال قوی توسط تغییراتی در اقتصاد و عوامل دیگر، متأثر می‌شوند. به عنوان مثال، در دانمارک، در دوره اقتصادی اخیر در یک تخمین، سه‌ذی نفع بیکاری که برای بدست آوردن شغل پیشنهاد شده بودند، مریض شدند آن هم نه به دلیل بیماری اپیدمی، بلکه به دلیل اینکه آنها قادر به کار نبودند و با فعالیت آزمون مواجه نشده بودند. موقعیت متضاد نیز می‌تواند تصور کند که افراد قادر به کار برای دریافت حق بیماری یا از کارافتادگی ناشی از این بیمی که به نام The Dutch disease (بیماری هندی) شناخته شده است، می‌باشند. همانطور که در شروع بحث شد، دولت‌ها و مجریان اغلب به پیدا کردن کار برای افراد از طریق طرح‌های مزایای بیکاری تا جبران بیکاری، علاقه نشان می‌دهند و کفرمایان ممکن است به اخراج بیکاران بدون چاره‌ای برای بیکاری علاقه داشته باشند به خصوص کارگران (به مثال‌های فوق‌الذکر مراجعه نمایید) مسن‌تر که احتمالاً برای مزایای بیکاری دیگر واجد شرایط هستند. بیکاران، خودشان هم

طرح‌های کمک اجتماعی در طرح سازمانی آنها در کشورهای همگانی کمتر تغییر می‌کنند. آنها توسط مالیاتها و سرمایه‌گذاری مورد آزمایش قرار می‌گیرند. بنابراین کشورها ممکن است در طرح‌های بیمه بیکاری اجتماعی خودشان متفاوت باشند.

چنین ممکن است، در مورد رعایت سطح مزایا، وضعیت کار و دیگر شرایط رفتاری و درجه نشان اجتماعی، حق تقدم داشته باشند. بنابراین، تا آنجایی که بیکار فرصت انتخاب داشته باشد، این نکته بین کار و مزایا، آن نخواهد بود، اما بین طرح‌های گوناگون مزایا یافت می‌شود. طرح سازمانی طرح‌های بیمه اجتماعی، محدودیت‌های فردی و هم چنین، فرصت‌هایی برای گرفتن مزایا را ایجاد می‌کند.

مطالب آخر

همانطوری که ملاحظه کردیم، به دلیل پیچیدگی سازمانی مزایایی نقدی برای بیکاری، انتخاب آزاد (اختیاری) بین کار و دریافت مزایا در نظر گرفته شده است. مردم قادر نیستند از مزایای بیمه

پیچیدگی مزایای نقدی و ارتباط آن با طرح‌های دیگر، بندرت افزایش پیدا می‌کند. اغلب، کاربرد از درصدهای تعویض، مقیاس غیررسمی مزایای فراوانی که درصد مزایای مزد قبلی را نشان می‌دهد، تشکیل شده است. در عوض، مقیاس اقتصاددان نئوکلاسیک، درصد‌های تعویض میزان انگیزه‌های کار است

راهنمایی برای محققان برای درک بهتری از گروه‌های مختلف مردم که، استحقاق و بیمه مختلفی دارند، باشد، و حتی در تجزیه و تحلیل بین‌المللی خیلی مهم هستند. بنابراین، ممکن است ایجاد قوانین کلی بر تاثیرات طرح در کشور، بی‌ثمر باشد، که اگر مسائل بین‌کشوری در نظر گرفته نشود یعنی بدون در نظر گرفتن اینکه چگونه طرح و برنامه به‌گونه‌ای با گروه‌های مختلف یک جمعیت، مربوط می‌شود.

این طرح؛ فقط توسط قوانین رسمی بوجود نمی‌آید بلکه توسط رسوم و ضوابط سیستم‌های به تحقق رسیده کارکنان شکل گرفته است، به علاوه فشار سیاسی و شرایط اقتصادی در هر کدام، دخیل بوده است. با این وجود، اقتصاددانان نئوکلاسیک، سیستم‌های جبران بیکاری را همانطوری که محرز است، اجرا می‌کنند. رفتار اقتصادی مزدی در یک فضای نهادی، واقع می‌شود. اگرچه، در حقیقت، رفتار فردی، بسیار زیاد موضوع تاثیر متقابل نهادی - فردی است. برای درک بهر رفتار فردی، هر شخصی ممکن

مستقاونی است، اساساً همان کارکرد حمایت اقتصادی مهیا را برای بیکاری، تامین می‌کنند. این نتایج در انتقال مزایا و جایگزینی مزایا است. بنابراین، طرح سازمانی سیستم‌های بیمه اجتماعی محدودیت‌ها و امکانات را برای افراد بوجود می‌آورد، گرچه به عهده داشتن خانه اجاره‌ی کوچک برای انتخاب آنان است.

بنابراین، ساختار قوانین کلی سیستم‌های بیمه بیکاری، در بین کشورها سخت است. همانطور که اتکنسیون و سیکل رایت (۱۹۹۱) در بررسی بحرانی جبران بیکاری، به نتیجه رسیدند: "این نکته برخورد با مزایا را به عنوان دستمزدی که هنگام عدم کارکردن پرداخت می‌شود را توجیه نمی‌کند، و هم چنین این کاهش مقایسه‌ای که سیستم‌های مزایای واقعی با پارامترهای منفرد مانند نرخ ثابت (نرخ جایگزینی) و یا طول مدت، مزایا را توجیه نمی‌کنند. کاهش مقایسه‌های سیستم‌های واقعی مزایا برای پارامترهای جداگانه مانند درصد بیمه‌ذی‌نفع، توجیه شده‌اند.

نتایج ضمنی هم برای محقق و هم سیاستگذار، مهم است. محققان قادر هستند اغلب در شناخت نهادی به صورتی که در تجزیه و تحلیل نشان توسط پیچیدگی سیستم‌های بیمه اجتماعی و تاثیر آن بر انگیزه‌های کاری، رفاه و نتایج دیگر ترتیب داده می‌شود، سرمایه‌گذاری کنند. همانطوری که ملاحظه کردیم، تمایل محققان برای شباهت طرح‌های مزایا، زمانی که در حقیقت تفاوت‌ها بستگی به اختلافات زیاد غیرقابل مشاهده در شرایط کار و وضعیت‌های دیگر و اجرای آنان بستگی دارد، فرض شده است. شناخت نهادی بیشتر ممکن است

اجتماعی همانطوری که مایلند انتخاب کنند، استقبال نمایند. برای مثال، زمانی که بیمه بیکاری در نظر گرفته می‌شود، واضح است که واجد شرایط بودن برای مزایا بستگی به دلایل بیکاری دارد (حق بازنشستگی قبلی - عضویت یا استخدام - گزارش درآمد و دست‌یابی به کار در مورد شرایط ناشناخته زیاد تغییرپذیری حرفه‌ای و جغرافیایی). اگرچه در بعضی کشورها مزایا برای مدت محدودی پرداخت می‌شود که این هم بستگی به وضعیت بازار کار، وضعیت اجتماعی و شرایط مختصی دارد. تمام این فرضیات سنتی مغایر بیمه اجتماعی به عنوان یک استخدام متناوب است.

تمام این ابعاد نه تنها تغییر زاید کشورهای همگانی بلکه گروه‌های متفاوت همگانی جمعیت در امتداد ابعاد لیست شده بالا است. زمانی که مدت دست یافتن به شرایط مزایا، مشخص شود، مزایای بیکاری بیشتر متمایز خواهد شد، با این حال، مردان سفید پوست مسن‌تر مشغول به کار دائم، با دستمزد بالا نسبت به زنان جوان متعلق به گروه نژاد اقلیت که به صورت موقت استخدام شده‌اند و یا نیمه وقت هستند و با دستمزد پایین، ارجحیت دارند.

امکان دارد ما قادر باشیم درباره انتخاب با واقع‌بینی بیشتر به عنوان یک انتخاب متعدد در مفهومی که در طرح سیستم‌های بیمه اجتماعی مشاهده می‌شود، صحبت کنیم، که نه تنها تعیین کننده درجه انتخاب نسبت به یک طرح معین را دارند، بلکه امکانات دیگری هم برای این برنامه‌ها را ارائه می‌دهند. نه تنها تمام ۸ کشور، اغلب از یک طرح بیکاری اطاعت می‌کنند، بلکه طرح‌های دیگر، با وجود اینکه، دارای دلایل منطقی

است درک بهتری از سازمان اجتماعی بیمه اجتماعی داشته باشد. این حالت، این طرح نهادی و شیوه کار جبران بیکاری به حساب می‌آید.

به همین ترتیب، هم چنین ممکن است اثبات شود که ملاحظاتی برای جنبه‌های بیشتری از حمایت اجتماعی، مفید است. محققان نظام بهزیستی همگانی و اقتصاددانان نئوکلاسیک بیشتر بر مزایای نقدی توجه نشان می‌دهند. صفات اجتماعی، تحصیلات و سیاست‌های بازار کار فعال ممکن است تأثیرات مثبتی بر سرمایه انسانی و اجرای کار کشورها داشته باشند. شناخت طرح‌های مختلف برنامه‌ها و سیستم‌های بیمه اجتماعی که ممکن است بطور متفاوتی با اقتصاد به هم مرتبط باشند، مهم هستند. و ممکن است موضوع مهمی برای تحقیق بیمه اجتماعی آتی باشد.

اقتصاددانان نئوکلاسیک و محققان نظام بهزیستی همگانی، به مشروط بودن و قوانین کلی مزایا کاملاً پی نبرداند. مقیاس‌های کمی آنان، محدودیت‌ها و انتخاب‌های متاثرکننده دریافت کنندگان را توصیف می‌کنند. در حال حاضر، اغلب طبقه‌بندی سیستم‌های بیمه اجتماعی و بهزیستی همگانی براساس شرایط بیمه اجتماعی، ساده انگارانه است، (که طرح سازمانی است) و عمدتاً با نادیده رفتن شرایط سازمانی برای به نتیجه رسیدن اهداف مشترک و برعکس مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، روش جداسازی با مفهوم سنتی که در آن اقدامات گزینش هدفمند و یا فعال‌سازی استفاده می‌شود به خودی خود منجر به بهزیستی همگانی نخواهد شد. این شرایط ممکن است به تامين اهدافی که همراه با بهزیستی همگانی سازمانی هستند مانند

توزیع مجدد و استخدام کامل، کمک کند. بطور مختصر و مفید، تحقیق به طرح سازمانی سیستم‌های مزایا، نیاز دارد، مانند برنامه‌ها. بدین ترتیب، برای درک کردن وجود طرح‌های مشابه علمی و تعامل بین طرح‌ها، بهتر است. و نیز ممکن است برای درک بیشتر که چگونه سیستم‌ها و برنامه‌های مختلف مزایا به روشی دیگر با گروه‌های مختلف جمعیت و بدین گونه برنامه‌ها و سیستم‌های مختلف مزایا با اقتصاد، بر هم تأثیر می‌گذارند، کمک کند. شاید برخی از سیستم‌های بیمه اجتماعی، سیستم‌های قدیمی در دنیای جدید باشند. چونکه بیشترین سیستم‌های بیمه اجتماعی در واقع همان ویژگی‌های اصلی را دارا می‌باشند به طوری که آنها در اصل در مکانی که دنیای کار و خانواده‌ها بطور چشم‌گیری در این فاصله تغییر می‌کنند، جایگزین می‌شوند. جای شک و تردید است که دولت‌ها می‌توانند استفاده از بیمه بیکاری یا کمک مالی اجتماعی را در معیار استحقاق دشوارتر، کار، و شرایط دیگر، محدودیت‌های زمانی جدی‌تر و شاید نیز تنزل پیدا کردن مزایا، را کاهش دهند. جای شبه بیشتری است که آیا این روش، فرد بیکار و خانواده‌اش را از نظر وضعیت اجتماعی و اقتصادی، بهبود می‌بخشد یا خیر. ممکن است، تقلیل، هزینه را بیشتر کند. بدهکار برای جایگزینی مزایا، مردد است اگرچه دولت‌ها توسط افت در یک طرح صرفه‌جویی می‌کنند و به استخدام دریافت کنندگان منجر می‌شوند، یا فقط در جایی بوجود می‌آید و شاید طرح کم بازدهی می‌باشد.

خلاصه، زمانی که تغییرات برای جبران بیکاری ایجاد می‌شود، احتمال است که دریافت‌کنندگان در طرح‌هایی که در اصل

مرحله تغییر از بیمه بیکاری برای حمایت از بیکاری و کمک مالی اجتماعی فقط یکی از چند موارد حاصل بین طرح‌های بیمه اجتماعی می‌باشد. کرجه طرح‌های مختلف در اصول دارای اهداف مختلف می‌باشند و توسط صلاحیت، استحقاق متفاوت، و معیارهای نیازمندی و نیکوکاری تحمیل شده به دریافت کنندگان تهیه شده است

برای بیماری طراحی شده‌اند (بیماری و از کار افتادگی)، سن (برنامه‌های زودتر از موعد مقرر) یا نیاز (کمک مالی اجتماعی) دوباره پیدا شوند. مجموعه مهم سوالات برای سیاست‌گذاران و محققان برای بیان تحت تأثیر قرار بودن در یک نوع از برنامه در مقایسه با برنامه دیگر برای رفاه فردی و کلی‌تر است.

تحقیق قبلی مکانیزم‌های بیمه اجتماعی را بطور کامل شامل نشده است. اگرچه، محققان، از گزارشات کامل مرتب و طبقه‌بندی کردن کشورها، جلوگیری کرده‌اند. زمان برای مطالعات دیگر درباره تفاوت طرح بیمه اجتماعی و سازمان آن و سرمایه‌گذاری برای گروه‌های مختلف افراد و برای اقتصاد، فرا رسیده است. یک ربع قرن پیش، اقتصاددان آمریکایی، "هنری. ج. آرن" اظهار کرد که هیچ راه آسان، ارزان و سریع برای خلاص شدن از بیکاری نیست. متأسفانه وی ثابت کرد که درست می‌گوید. محققان و سیاست‌گذاران برای زمان مطالعه و تعیین خط مشی در زمینه بیمه اجتماعی باید این چیزها را در نظر داشته باشند.